

# به برهوت حقیقت خوش آمدید!

نوشته‌ی:

اسلاوی ژیک

ترجمه‌ی:

فتاح محمدی



نشر هزاره‌ی سوم

زنجان ۱۳۹۶

## فهرست

- مقدمه: مرکب نایاب ..... ۷
۱. جذابیت‌های امر واقعی، جذابیت‌های صورت ظاهر ..... ۱۱
۲. مصادره‌های پی در پی: درس ملاعمر ..... ۴۳
۳. خوشبختی پس از ۱۱ سپتامبر ..... ۷۳
۴. از هوموساگر به هوموسیکر ..... ۱۰۱
۵. از هوموسیکر به همسایه ..... ۱۳۳
۶. فرجام: بوی عشق ..... ۱۵۹
- نمایه ..... ۱۸۱

## جذاییت‌های امر واقعی، جذاییت‌های صورت ظاهر<sup>(۱)</sup>

وقتی برشت، به هنگام عزیمت از خانه‌اش به تئاتر در جولای ۱۹۵۳، به ستون تانک‌های شوروی برخورد که برای سرکوب شورش کارگران به سوی استالینالی<sup>(۲)</sup> می‌تاختند، دستی برای آنها تکان داد، و بعد، همان روز در دفترچه‌ی یادداشت‌های روزانه‌اش نوشت که در آن لحظه او (که هرگز عضو حزب نبود) برای نخستین بار در زندگی‌اش وسوسه شد که به حزب کمونیست بپیوندد. نمی‌توان گفت که برشت بی‌رحمی مبارزه را به امید اینکه حاصل آن آینده‌ی سعادت‌باری خواهد بود، نادیده می‌گرفت: تلخیِ خشونت دقیقاً به عنوان نشانه‌ی اصالت<sup>(۳)</sup> ادراک و تأیید می‌شد... آیا این مورد نمونه‌واری از آنچه آلن بدیو ویژگی اصلی قرن بیستم می‌داند، یعنی علاقه‌ی شدید به امر واقعی [la passion du réel]<sup>۲</sup>، نیست؟ برخلاف قرن نوزدهم که سرسپرده‌ی پروژه‌ها و آرمان‌های یوتویپایی، طرح‌هایی برای آینده، بود، قرن بیستم عزم نجات دادن خود چیز را داشت — عزم تحقق مستقیم نظم نوینی<sup>(۴)</sup> که همه در اشتیاق‌اش می‌سوختند. سوبیه‌ی غایی و تشخیص‌بخش قرن بیستم عبارت بود از تجربه‌ی مستقیم امر واقعی به مثابه چیزی در تقابل با واقعیت اجتماعی روزمره — امر واقعی با تمام خشونت‌اش، به مثابه

1. semblance

2. stalinallee

3. authenticity

۴. New Order، نظام انضباطی سختی که در ۱۹۳۲ به آلمان و سپس به کشورهای فتح‌شده تحمیل شد.

بهایی که باید به خاطر کردن و دور انداختن لایه‌های غلط‌انداز واقعیت پرداخت شود.

پیشتر، در سنگرهای جنگ جهانی اول، ارنست یونگر جنگ تن به تن را به مثابه مواجهه‌ی بیناشخصی اصیل<sup>(۱)</sup> می‌ستود: اصالت در عمل عبور خشونت‌آمیز از امر واقعی لا‌کانی - همان چیز که آنتیگونه به هنگام تخطی از نظم شهر با آن مواجه شد - به مازاد<sup>(۲)</sup> باتای نهفته است. در خود قلمرو سکسوالیته، شمایل این «علاقه‌ی شدید به امر واقعی» امپراطوری احساس‌ها اثر اوشیما است، یک فیلم کالت ژاپنی از دهه‌ی ۱۹۷۰ که در آن رابطه‌ی عاشقانه‌ی یک زوج در شکنجه‌ی یکدیگر تا حد مرگ به نهایت خود می‌رسد. آیا فیگور غایی جذابیت امر واقعی همان امکانی نیست که وب‌سایت‌های هرزه‌نگار برای دیدن درون بدن از دید یک دوربین کوچک نصب‌شده بر نوک یک دیلدو فراهم می‌کنند؟ در این نقطه‌ی نهایی یک جابه‌جایی رخ می‌دهد: وقتی بیش از حد به ابژه‌ی مطلوب نزدیک می‌شویم، شیفتگی اروتیک بدل به نفرت از امر واقعی جسم برهنه می‌شود.<sup>۳</sup>

نسخه‌ی دیگری از «علاقه‌ی شدید به امر واقعی» به عنوان چیزی که در تقابل با «تأمین فواید»<sup>(۴)</sup> در واقعیت اجتماعی است، را می‌توان به وضوح در انقلاب کوبا دید. کوبای امروز با حُسن استفاده از موقعیت، به نحو قهرمانانه‌ای همچنان به سرپیچی از منطق سرمایه‌دارانه‌ی بی‌مصرف شدن و کهنگی برنامه‌ریزی‌شده ادامه می‌دهد: بسیاری از محصولات که در آنجا مصرف می‌شوند، در غرب اشیای بی‌مصرف به حساب می‌آیند - نه تنها اتومبیل‌های امریکایی دهه‌ی پنجاهی معروف که به شکل معجزه‌آسایی هنوز کار می‌کنند، بلکه حتا ده‌ها اتوبوس زرد کانادایی (که هنوز نوشته‌های قدیمی روی آنها به زبان انگلیسی یا فرانسوی برجای مانده است)، که احتمالاً به کوبا هدیه شده بودند و برای حمل و نقل

1. authentic intersubjective encounter

2. excess

۳. (le service des bien) servicing of goods, عبارتی برساخته‌ی لاکان برای اشاره به سازمان سیاسی و اجتماعی‌ای که در حیطه‌ی خواست (demand) کار می‌کند نه در حیطه‌ی میل.

عمومی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.<sup>۴</sup> بدین ترتیب ما با این پارادکس سر و کار پیدا می‌کنیم که، در دوره‌ی شتاب سرمایه‌داری جهانی، پیامد اصلی انقلاب عبارت است از ایجاد سکون<sup>(۱)</sup> در دینامیک اجتماعی - بهایی که برای کنار ماندن از شبکه‌ی سرمایه‌دارانه‌ی جهانی باید پرداخته شود. در اینجا ما با شباهت عجیبی بین کوبا و جوامع «پسا صنعتی» غربی مواجه می‌شویم: در هر دو مورد، بسیج پرشتاب یک بی‌حرکی بنیادی‌تر را از نظر پنهان می‌کند. در کوبا بسیج انقلابی بر سکون اجتماعی پرده برمی‌کشد؛ در غرب پیشرفته فعالیت اجتماعی پرشتاب ملال بنیادین سرمایه‌داری جهانی، غیاب یک رخداد<sup>(۲)</sup>، را از نظر پنهان می‌کند...

والتر بنیامین لحظه‌ی مسیحایی را لحظه‌ی *Dialektik im Stillstand*، دیالکتیک در یک سکون، تعریف می‌کرد: زندگی در انتظار یک رخداد مسیحایی به سکون می‌رسد. آیا در کوبا تحقق عجیب این را، نوعی زمان مسیحایی منفی را، نمی‌بینیم: سکون اجتماعی‌ای که در آن «پایان زمان نزدیک است» و همه در انتظار معجزه‌ای هستند که به هنگام مرگ کاسترو و سقوط سوسیالیزم رخ خواهد داد؟ عجیب نیست که، در کنار اخبار و گزارش‌های سیاسی، برنامه‌ی اصلی در تلویزیون کوبا دروس به زبان انگلیسی است - شمار غیر قابل باوری از آنها، پنج تا شش ساعت در روز. طرفه اینکه، خود بازگشت به حالت عادی سرمایه‌دارانه‌ی ضد مسیحایی به صورت ابژه‌ی انتظار مسیحایی - چیزی که کشور، در حالتی از تحرک یخ‌زده، چشم به راهش است - تجربه می‌شود.

در کوبا، خود چشم‌پوشی‌ها<sup>(۳)</sup> به مثابه گواهی بر اصالت رخداد انقلابی تجربه می‌شوند / تحمیل می‌شوند - چیزی که در روان‌کاوی منطق اختگی نام دارد. کل هویت سیاسی-ایدئولوژیک کوبا استوار است بر وفاداری به اختگی<sup>(۴)</sup> (عجیب نیست که نام رهبر فیدل کاسترو است!)؛ نقطه‌ی مقابل رخداد، ماندایی<sup>(۵)</sup> فزاینده‌ی هستی / زندگی اجتماعی است: کشوری یخ‌زده در زمان با ساختمان‌های قدیمی

1. standstill

2. Event

3. renunciations

4. fidelity to castration

5. inertia